

# اسطوره کنش اجتماعی

O آلن وارد\*  
مترجم: نیکو سرخوش

O The Myth of social Action  
O Colin Campbell  
O Cambridge University Press  
O ۱۹۹۸

اساس بحث کمبل این است که معناها همه اجتماعی نیست و کنش‌ها همه به سمت دیگران جهت‌گیری نمی‌شود؛ اکثر کنش‌ها دارای انگیزه‌های شخصی‌اند، به تنهایی انجام می‌شوند و به طور مستقیم دیگران را لحاظ نمی‌کنند



است (۱۲۱). از همین رو او از ما می‌خواهد توجه داشته باشیم که در توصیف کنش‌ها مکرراً از صفت «اجتماعی» به‌گونه‌ای زائد و گمراه‌کننده استفاده می‌شود. علت غریب مشورت با فیلسوفان در مورد معنای لفظی کنش به جای مشورت با روانپزشکان در مورد پیش شرط‌های شناختی کنش، علتی شناخته شده است. رواج و غلبه این حکم روش‌شناختی که بر مبنای آن

معناهای توافق شده و رفتارهای وضع شده باید مورد بررسی قرار گیرند [بر همه] آشکار است؛ حکمی که حاصل آن عدم توجه به «عمل کردن» است. معنای ذهنی و انگیزه به کنشی می‌انجامد که صرفاً می‌توان آن را از گزارش‌های افراد در مورد رفتار خودشان به دست آورد. از میان بسیاری از جنبه‌های این نقد این‌ها جنبه‌هایی‌اند که من آن‌ها را قانع‌کننده می‌یافتم.

با این حال، پرسش من این است که آیا «وضعیت باوری اجتماعی» آن‌گونه که کمبل ادعا می‌کند مسلط و یا یک دست است. کمبل ادعایش را در این باب به طرز غریبی بیان می‌کند به این صورت که مثال‌هایی از استفاده نستجیده یا سوءاستفاده از واژه «کنش اجتماعی» در کتاب‌های درسی مقدماتی بریتانیا ذکر می‌کند (ص ۲۸-۲۳). به ویژه به نظر من فاصله‌ی زیادی میان موضع فراتر از این است که به وضعیت باوران نسبت داده می‌شود و عمل پژوهشی آن‌ها وجود دارد. برخلاف نظر کمبل، به عقیده‌ی من در گزارش‌های واقعی جامعه‌شناسان خرد شرح شخص کنشگر درباره‌ی فعلش مورد استفاده قرار می‌گیرد و هنگام توصیف عمل فرد کنشگر، نیت خاص و آگاهانه او تعیین می‌شود.

اما آن چه بیش از همه مایه‌ی دل‌سردی است برنامه‌جایزینی است که خود کمبل ارائه می‌دهد. این برنامه چیزی نیست جز توصیه به بازگشتی تمام عیار به تجویزهای ویر. تهیه گزارش به این صورت که از افراد در مورد معنای کنش‌هایشان پرسش شود و بدین ترتیب با آشکار کردن نیت و انگیزه‌های افراد کنش آنان تبیین علی شود ظاهر آشیوبه‌ای است که بر درک عرفی و عام از رفتار صحنه می‌گذارد. وانگهی گرچه کمبل با توجه به اهداف کتاب به درستی جامعه‌شناسی کلان را به کناری می‌نهد اما این نگرانی را در من ایجاد می‌کند که مبادا تلاش برای تبیین در جامعه‌شناسی تا حد تعیین پیامدهای ناخواسته حاصل از بی‌شمار کنش‌های اختیاری افراد فروکاسته شود. در واقع، و نهایتاً از آن جا که محتمل است نظریه‌های کنش اختیاری در تعیین علت نهادهای اجتماعی و رفتار جمعی مسئله‌ساز شود، از همین رو جامعه‌شناسان در وهله اول پارادایم‌های وضعیت باوری را برمی‌گزینند.

پانویس:

\*Alan Warde

۱. Social Situationalist dogma

## چکیده:

بحث اصلی کمبل این است که اشتغال خاطر به مسأله بین‌الذهانیت و شکل‌های مختلف ارتباط، مانع از توجه به معانی ذهنی و انگیزه‌های کنشگران شده است.

به عقیده کمبل تمام معناها لزوماً اجتماعی نیست و تمام کنش‌ها به سمت دیگران جهت‌گیری نمی‌شود. اکثر کنش‌ها دارای انگیزه‌های شخصی‌اند و به طور مستقیم دیگران را لحاظ نمی‌کنند. پیشنهاد کمبل این است که در پژوهش‌ها از افراد در مورد معنای کنش‌هایشان پرسش شود و با روشن شدن انگیزه‌ها، کنش آنان تبیین شود.

نقد قانع‌کننده و مستدل کمبل از گرایش‌های غالب در فرائض‌های جامعه‌شناختی کنش، در ابتدا با جلد گالینگور در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسید. من برای نخستین بار آن را در سال ۲۰۰۰ خواندم و آن را اثری تأثیرگذار و بسیار تأمل‌برانگیز یافتم و بسیار خشنودم که آن را با دقت مورد مطالعه قرار دادم. تردید دارم این کتاب کتابی مردم‌پسند شود. در

کتاب تا حدی بازگویی و تکرار دیده می‌شود چرا که یافتن رشته استدلال مستلزم رجوعی پیوسته به نکات مشابه در مراحل متفاوت است سبک و محتوای این کتاب به وضوح غیرمرسوم است. اما به ویژه نقد خصمانه‌اش بر تقریباً تمامی جامعه‌شناسی‌های خرد - پدیدارشناسی، روش‌شناسی قومی، مکتب کنش متقابل و نظریه‌ی کنش عقلانی - موجب شده است تا اکثر مخاطبان بالقوه‌اش عمیقاً احساس ناراضی‌تی کنند و یا احساس کنند که مواضع‌شان در کتاب بد عرضه شده یا مورد سوءفهم قرار گرفته است.

بحث اصلی کتاب این است که جامعه‌شناسی خرد به تمامی از «وضعیت باوری اجتماعی» تأثیر پذیرفته است. «اشتغال خاطر نسبت به مسئله‌ی بین‌الذهانیت» و نیز نسبت به «شکل‌های شفاهی و غیرشفاهی ارتباط» مانع از توجه به معنای ذهنی و انگیزه‌های کنش‌گران است. (ص ۲۷) از همین رو کمبل معتقد است که نه رویکردهای مبتنی بر بین‌الذهان باوری و نه رویکردهای مبتنی بر کنش عقلانی هیچ یک توجه کافی به «ابعاد عاطفی یا ارادی کردار به علت‌شناسی رفتار» نمی‌کند (ص ۱۷). کمبل نظریه‌ی خود را با زنده کردن مقوله‌های رفتار، کنش و کنش اجتماعی ویر و وضوح می‌بخشد. کنش «رفتاری اختیاری و از لحاظ ذهنی معنادار» تعریف می‌شود و اگر «جهت‌گیری معناداری به سمت دیگران داشته باشد» امری اجتماعی خواهد بود (ص ۲۵). از همین رو کنش اجتماعی زیرگونه‌ی کنش است. وضعیت باوری تمایل دارد تا این تمایز سه بخشی را به دو شاخه رفتار و کنش اجتماعی فروبکاهد که این در واقع ترفندی است برای استقرار برتری‌اش؛ [از همین رو] کمبل چندین فصل را به انتقاد از استدلال‌هایی اختصاص داده است که قصد دارند «کنش» را حذف کنند.

اساس بحث کمبل این است که تمامی معنا اجتماعی نیست و تمامی کنش به سمت دیگران جهت‌گیری نمی‌شود. اکثر کنش‌ها دارای انگیزه‌های شخصی و خصوصی‌اند به تنهایی انجام می‌شوند و به‌طور مستقیم دیگران را لحاظ نمی‌کنند. به اعتقاد کمبل «بیش‌ترین کنش‌های انسانی نه کنش‌هایی نمایان‌اند و نه ارتباطی (حال چه به گونه‌های اجتماعی ساخته شده باشند و چه فرهنگی) و نه متقابل.

بلکه برعکس کنش‌هایی ابزاری‌اند که در اساس به این منظور تعبیه شده‌اند که تحولی در وضعیت زندگی کنش‌گر یا روابط او با محیط پیرامونش ایجاد کنند.» (ص ۱۳۱) بیش‌تر قدرت نقد کمبل بر خاسته از این ادعا است که کنش ارتباطی نمونه‌ی خاصی است که گرچه مورد توجه جامعه‌شناسان است اما بنیان و خاستگاهش محدود